



بررسی مقابله‌ایی رویکردهای آموزشی کارل راجرز و واسیلی داویدوف در کلاسهای درس زبان روسی



وجیهه رضوانی⁻

(نویسندهٔ مسئول)

استادیار گروه زبان روسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران
Email: v.rezvani@alzahra.ac.ir

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، شناخت اشتراکات دیدگاه‌های واسیلی واسیلیویچ داویدوف (Vasily Vasilievich Davidov)، و کارل راجرز (Carl Rogers) در مورد روشهای آموزش و توانایی تدریس به‌عنوان بحث کلیدی روز در آموزش مدرن است. منابع رشد شخصیت در آموزش توسعه دهنده و جایگاه مدرس در تدریس توسعه دهنده مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از طرفی مفهوم «ارتباط با موقعیت» در آراء داویدوف به‌عنوان پیش‌شرط‌های فلسفه جدید آموزش مورد واکاوی خواهد بود. در این پژوهش بر آن هستیم تا فرضیه تقویت تعامل مدرس و دانشجو و تأثیر آن در بهبود اعتماد به نفس و بهره‌وری بیشتر در کلاسهای درس زبان را بیازماییم. با اتکا بر آراء راجرز و داویدوف جهت بررسی فرضیه‌های پیش گفته پرسش‌نامه‌ای تنظیم گردید، و ۱۴۷ نفر از دانشجویان زبان روسی در پاسخگویی بدان مشارکت داشتند. از انجام این پژوهش به دنبال پاسخی برای این مسئله هستیم که کدام رویکردهای آموزشی فوق می‌تواند تأثیرگذارتر باشد؟ آیا همه دانشجویان با یک روش تدریس موافق هستند؟ و نتیجه پاسخها مؤید استقبال دانشجویان از روشهایی است که هم‌افزایی تعاملی و تقویت خود باوری، خودکارآمدی و به تبع آن بهره‌وری حداکثری دانشجویان از روند آموزشی را در پی دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۰
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

آموزش توسعه دهنده،
توانایی آموزش دادن، رشد
شخصیتی، کارل ریچاردز،
واسیلی داویدوف.

شناسه دیجیتال DOI: 10.220. 9/JFLR.2021.328356.873 کليه حقوق محفوظ است ۱۴۰۰

بهرامی، کاوه. (۱۴۰۰). نقش موسیقی در یادگیری زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی: پژوهشی برپایه تحلیل کتب آموزشی. پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی، ۱۱ (۳)، ۶۳۹-۶۵۴.

Bahrami, K. (2021). The Role of Music in Learning German as a Foreign Language: A Textbook Analysis. Foreign Language Research Journal, 11 (3), 639-654.



A Comparative Study of the Educational Approaches of Karl Rogers and Vasily Davydov in Russian Language Classes



Vajihe Rezvani

(corresponding author)

Assistant Professor of Department of Russian Language, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran
Email: v.rezvani@alzahra.ac.ir

ABSTRACT

The purpose of this article is to identify the commonalities between the views of Vasily Vasilevich Davidov and Carl Rogers on teaching methods and teaching ability as a key topic of discussion in modern education. The sources of personality development in developer education and the role of the teacher in developer teaching are discussed. The concept of "relationship with position" will be explored in Davidov's views as preconditions for a new philosophy of education. In this study, we intend to test the hypothesis of strengthening teacher-student interaction and its effect on improving self-confidence and greater productivity in language classes. Relying on the opinions of Rogers and Davidov, we developed a questionnaire to explain the impact of these educational approaches, which were answered by 147 students from Tehran universities studying Russian. From doing this research, we are looking to find out which of the above educational approaches can be more effective? Do all students agree with one teaching method? And the result of the answers confirms the students' acceptance of methods that interactive synergy and strengthen self-confidence, self-efficacy and, consequently, the maximum productivity of students in the educational process.

DOI: 10.2059/JFLR.2021.8.11 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: August 5, 2021

Accepted: September 11, 2021

Available online:
winter2021

Keywords:

Developer Training, Teaching Ability, Personality Development, Carl Richards, Vasily Davydov.

Bahrami, K. (2021). The Role of Music in Learning German as a Foreign Language: A Textbook Analysis. Foreign Language Research Journal, 11 (3), 639-654.

Vajiheh Rezvani is an assistant professor in the Russian language department at Alzahra University. She has a PhD in language teaching from the University of Tehran. Areas of interest and activity: Social linguistics, culturology, educational methods that have articles in this field. Translation of the book Signs and Spelling of the Russian language from "Sama" Publications is one of her works.

با مفهوم تمرکز بر انسان شناخته شده هستند. رویکرد راجرز در مورد مسائل آموزشی اینگونه بود، که او استدلال می‌کرد دانش‌آموز علائق و سرگرمی‌هایی دارد و وظیفه معلم است که این علائق و سرگرمی‌ها را کشف کرده و در توسعه آنها سهیم باشد. [Аксёнова, 2016, 24] در مقاله حاضر ابتدا به بررسی و تعریف نظریه‌های یاد شده می‌پردازیم و در ادامه با مقایسه آرای کارل راجرز روان‌شناس و مدرس «دانشجو-محور» و واسیلی داویدف مدرس روش آموزشی «توسعه دهنده» بر اساس تجربیات سالهای تدریس و پرسش‌نامه‌ای که به همین منظور تهیه گردید به باز شناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش را بررسی خواهیم نمود. پاسخ‌ها گرایش دانشجویان در امر آموزش را بیشتر روشن می‌سازد. و از این رو به‌عنوان یکی از مسیرهایی است که می‌تواند راهنمای آموزش باشد.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه نوآوری‌های روش تدریس به اوایل قرن بیستم مربوط می‌شود. زمانی که زبان‌شناسان تطبیقی درکنار روان‌شناسان سعی به کشف مسیرهایی داشتند که تدریس زبان به واسطه آنها راحت‌تر می‌شد. تئودور راجرز و جک ریچاردز در «رویکردها و روشها در آموزش زبان» بنیان تدریس زبان را بر دو محور زبان‌شناسی (Linguistics) و دیگری ریشه در روان‌شناسی (Psychology) استوار می‌دانند. [راجرز، ریچاردز، ترجمه علی بهرامی، ۱۳۹۲، ۸] کارل راجرز (۲۰۰۲) در کتابهای مختلف از جمله «آزادی آموختن»

واسیلی واسیلیویچ داویدوف مدرس- روانشناس و تئورسین روسی، بخش اعظم پژوهشهای خود را به ایجاد سیستم آموزشی «توسعه دهنده» اختصاص داده است. نظریه آموزش توسعه دهنده، رویکردی در آموزش عملی، مبتنی بر روشهای توسعه فیزیکی و شناختی و ذهنی دانشجویان از طریق بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و امکانات این گونه توسعه است. داویدوف بر این باور است که دانشجو می‌تواند با تکیه بر «تجربه‌ای که از درک محیط کسب می‌نماید، دانش مورد نظر را با استناد به تعمیم‌های نظری فرا گیرد».

[Гуружапов 2007, С. 19—21]

کارل راجرز با دریافت عنوان «تأثیرگذارترین» روان‌شناسان حوزه آموزش تأکید بسزایی بر توانایی‌های انسانی در روند آموزش داشت. وی با تأیید بر تأثیر تجارب گذشته افراد در درک ماهیت وجودی خود و دنیای اطراف، معتقد بود احساسات و عواطف کنونی شخص، اهمیت بسیاری در بروز و ظهور شخصیت فرد دارد. وی به پرورش باورهای شخصی دانشجویان در روند یادگیری اهمیت زیادی می‌داد. [Аксёнова, 2016, 22] وظیفه اصلی آموزش از دیدگاه راجرز باید توسعه روشهای مولد فعالیت ذهنی باشد، دانشی که برای شخص واقعا مهم است. او آنها را از محیط به یاد خواهد آورد. بنابراین، آموزش نباید شامل «اشباع» کردن دانشجو از اطلاعات باشد، بلکه باید حداکثر فرصت‌ها را برای جستجوی مستقل در اختیار او قرار دهد. این ایده‌ها

رویکردهای نوینی به آموزش می‌بخشد. چیرکوف و ریان (۲۰۰۱) به‌طور مشترک در مقاله «حمایت از استقلال نوجوانان در روسیه و آمریکا» به نقش حمایتگری از استقلال شخصیت دانشجویان می‌پردازند.

در حوزه آموزش و توسعه روشهای آموزشی داویدوف به‌عنوان تفورسین آموزش «توسعه دهنده» و همکاران وی نیز در این زمینه چون روبتسوف (۲۰۰۸)، «روان‌شناسی اجتماعی- ژنتیکی توسعه آموزش: رویکرد عملگرا»، مارگولیس (۲۰۱۹) در اثر علمی خود با عنوان «بازنگری آموزش تربیت معلم در روسیه»، و نیز در کتاب «استاندارد حرفه‌ای یک معلم: توسعه و بهره‌وری در روسیه و خارج از کشور» به تبیین نقش سازنده جایگاه مدرس در امر آموزش می‌پردازد. گروژاپوف (۲۰۰۸) در زمینه روش‌شناختی نظریه آموزش رشد (سیستم الکونین-داویدوف) زیر نظر استادشان داویدوف در سالهای گذشته از دوران شوروی تا به امروز آثار ارزشمندی تالیف نموده است. کودریاوتسوف از دانشجویان داویدوف نیز در سالهای اخیر به بررسی «آزادی آموختن» می‌پردازد و به نوعی با همتایان انگلیسی زبان خود در حوزه استقلال درآموزش می‌توان هم‌راستا برشمرد. رضاییگی و همکاران، در مقاله «تأثیر رفتارهای حمایتی استقلال معلمان زبان بر آمادگی زبان‌آموزان برای کسب استقلال» به بررسی روشهای دانشجوی - محور پرداخته‌اند.

۳. روش انجام مطالعه

در این پژوهش جهت تطبیق آراء آموزشی داویدوف و راجرز در کلاسهای زبان روسی مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های تهران پرسش‌نامه آنلاینی به همین منظور تهیه نمودیم و از طریق فضای مجازی و شبکه‌های ارتباطی در اختیار آنها گذاشتیم، ۱۴۷ دانشجو در این نظر سنجی مشارکت داشتند. مقطع کارشناسی ازین رو برگزیده شد، که اولین مواجهه با زبان جدید برای دانشجویان بدون آشنایی قبلی با زبان روسی است. در بین متغیرها سن؛ جنس؛ دانشگاه محل تحصیل و سال ورود به دانشگاه در نظر گرفته شده بودند، زیرا در مقایسه‌ای که کارل راجرز در زمینه تأثیرگذاری ارتباط تعاملی معلم و دانش‌آموز انجام داده بود تفاوت معناداری بین رویکرد دانش‌آموزان دختر و دانشجویان پسر قابل رویت بود. بین شرکت‌کنندگان در این پرسش‌نامه تنها ۷ دانشجوی پسر بود که در مقایسه با تعداد بیشتر دانشجویان دختر شاید نتوان به یک تراز منطقی بین این دو متغیر در این پژوهش دست پیدا کرد از این رو ادامه پژوهش می‌تواند در مرحله بعدی بررسی رویکردهای دانشجویان پسر با توجه به مؤلفه‌های مورد نظر باشد.

جدول شماره یک

متغیرها	دسته بندی	مقدار
جنسیت	دختر	۱۴۰
	پسر	۷
سن	۲۰	۲۹
	۲۱	۳۳

۳۱	۲۲	
۲۴	۲۳	
۲۳	۲۴	
۶	۲۵	
۱	۲۶	
تفاوت معنا دار نیست	۱۳۹۸-۱۳۹۶	سال ورود به دانشگاه

۴- بحث و بررسی

در بین نظریه‌های آموزشی متداول در آموزش زبان به-
طور میانگین یازده روش آموزشی را بیان می‌کنند که
عبارتند از: (۱) روش مستقیم (The Direct Method)؛ (۲)

دستور-ترجمه (Grammar-Translation)؛ (۳) آوایی -

بانی (Audio-Lingual)؛ (۴) رویکرد ساختاری (Structural

Approach)؛ (۵) رویکرد پاسخگویی فیزیکی (Total

Physical Response (TPR)؛ (۶) آموزش ارتباط محور

زبان (Communicative Language Teaching (CLT)؛ (۷)

رویکرد طبیعی (Natural Approach)؛ (۸) آموزش زبان مبتنی

(Approach) [راجرز؛ ریچاردز، ترجمه علی بهرامی، ۱۹۸۶،

[۱۳]

که سه مورد اول بیشترین کاربرد را در میان مدرسین زبان

دارد. و اگر بخواهیم به صورت شماتیک قابلیت‌های این سه

روش را نمایش دهیم به نمودار زیر خواهیم رسید:

نمودار شماره ۲

بیشترین توجه در روش ترجمه -دستور روی تقویت

مهارت خواندن و نوشتن است. در نمودار بالا هم به‌طور

نسبی نمایش داده است. مهارت‌های مکالمه و شنیداری

تقریباً هیچ جایی در کلاسهای درس این روش ندارند.

[راجرز، ریچاردز، ترجمه علی بهرامی، ۱۳۹۲، ۱۵]

راجرز در کتاب خود تحت عنوان «آزادی

یادگیری» می‌نویسد: «اگر می‌خواهیم این کره شکننده را

حفظ کنیم و زندگی را بر روی آن بنا نهیم و انسانی شایسته

تربیت نماییم، می‌بایست به نسل جوان کمک نماییم. و

یگانه روش مطمئن جهت رهنمود جوانان، هدایت آنها به

سمت آموزش عمیق و همه جانبه است و اینکه همواره در

حال یادگیری باشند. [Rodgers, 2002, c.27]

از این رو نظریه Life Long learning (آموزش در تمام

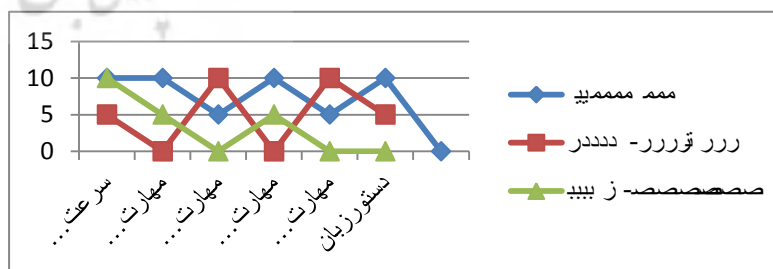
طول زندگی) از آرای راجرز، بی‌تناسب با شعر ابوریحان

بیرونی، همو که تا لحظات واپسین عمر بر این باور بود

نیست:

چنین گفت پیغمبر راستگوی زگهواره تا گور دانش

بجوی



بر موضوع (Task-Based Language Teaching (TBL) (۹)

آموزش مبتنی بر پیشنهاد رسانه (Suggestopedia

؛ (۱۰) روش خاموش (The Silent Way)؛ (۱۱) رویکرد

کاربردی - بومی (Functional-Notional)

با تضمینی از رویکرد پیامبر اسلام (ص) نسبت به آموزش تأییدی بر روند دائمی کسب دانش می‌باشد. اما این دانش آموزی در چه قالب‌هایی موفق‌تر عمل خواهد کرد؟

پیش از این در دهه ۸۰ قرن بیستم، داویدوف، در سخنرانی‌های خود در مورد روان‌شناسی عمومی، به دانش روان‌شناسی به‌عنوان پدیدارشناسی یک دیدگاه شخصی از جهان در آموزش و آموزش سیستماتیک نزدیک شد. داویدوف با تعریف یادگیری به‌عنوان یک فعالیت جمعی تأکید می‌کند که از لحاظ روان‌شناختی لازم است که تمام مؤلفه‌های ساختاری این فعالیت مورد مطالعه قرار گیرد، اشکال تعامل بین افراد، عینیت یادگیری و ابزار یادگیری. لازم است درک کنیم چه روشی از تعامل با دانشجو منجر به چه نوع فعالیت و محتوای آگاهی دانش‌آموز می‌شود و همچنین چگونگی ارتباط حایز اهمیت است. آموزش و جهت‌گیری آگاهی دانشجو به معلم این امکان را می‌دهد که به فعالیت‌های خود به شکلی معنادار نزدیک شود و وظایف آموزشی را برای دانشجویان تعیین کند تا آنها امکان تأمین نیازهای دانش نظری خود را تأمین نمایند. [Гуружапов

2014, C. 275.]

آزادی یادگیری بسیار سخت و به ندرت مانند هر آزادی اقتصادی و اجتماعی حاصل می‌شود. [Кудрявцев, 2010, с.51] این سیستم و ساختار آن وام‌دار واسیلی داویدوف و همفکرانش هست. او نیز به مانند کارل راجرز در آراء و نظریات خود نسبت به توانش یادگیری در وحله نخست بر معیار انسان-جهان بینی و به-

ویژه ارزشی-معنایی و نه فناوری قائل است. داویدوف و راجرز راه‌های مختلفی را برای ارائه آموزش در پیش گرفتند. داویدوف، با تغییر در محتوای آموزشی، روش‌های انتقال و جذب آن توسط دانشجو را مطرح می‌نماید. راجرز، با اعمال تغییر در نوع روابط بین مدرس و دانشجو در روند آموزشی، به این روابط ماهیت شخصی می‌بخشد، که در آن فقط افراد خود می‌توانند تغییر کنند. اما در نهایت مسیر، هر دو به تلاقی یکدیگر می‌رسند. از یک سو بر اساس نظر داویدوف «روش عمومی (تئوریک) حل مسئله» نه تنها مفروض بر کاربرد آن در تجزیه و تحلیل طیف قابل توجهی از مشکلات خاص آموزشی است بلکه می‌بایست شامل همه سطوح عمومی و شخصی هر دانشجو بشود. بنابراین، نمی‌تواند به‌عنوان نوعی الگوریتم اجباری تفکر جمعی به همه دانشجویان تحمیل شود. داویدوف و مکتبش به مشکلات موضوعی جمعی و فردی می‌پردازند.

نظریه آموزش توسعه دهنده رویکردی در نظریه آموزش عملی مبتنی بر روش‌های توسعه فیزیکی و شناختی و ذهنی دانشجویان از طریق بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و امکانات این گونه توسعه است. گروژاپوف به شرایط محیطی اهمیت ویژه می‌داد. مثال زیرکه در تمامی درس‌هایش بیان می‌نماید حاکی از این موضوع است:

مادر و دختری در خیابان قدم می‌زنند. یک سگ خیابانی معمولی در نزدیکی آنها در حال دویدن است. دختر بلافاصله به او نزدیک می‌شود (واکنش طبیعی کودک است). مادر: «دست زن، گاز می‌گیرد». دختر: «چه اتفاقی خواهد

افتاد؟» مادر: «بعدش باید آمپول بزنی.» دختر بچه با مفهوم آمپول آشناست. بلافاصله اخم می‌کند. سگ هنوز در همان نزدیکی در حال دویدن است - دختر بچه احساس می‌کند که می‌تواند ارتباط خوبی با سگ بگیرد و به سگ نزدیک می‌شود. مادر دوباره می‌گوید: «دست زن، او گاز می‌گیرد.» دختر: «و اگر دو بار گاز بگیرد؟» مادر: «باید دوتا آمپول بزنی.» در اینجا دختر بچه کاملاً جدی می‌شود، او چند قدم را در سکوت راه می‌رود، رو به مادرش می‌پرسد: «حالا اگر او هزار بار گاز بگیرد، باید هزارتا آمپول بزنی؟» در اینجا دختر بچه از استنتاج ریاضی بهره می‌گیرد و یا شاید تفسیر هم‌زمان برآمده از انطباق تعداد محرکها و پاسخها به عبارتی هر گاز گرفتن برابر با یک آمپول. در این موقعیت هیچ عمدی در کار نبود. هیچ دلیلی وجود نداشت تا کودک این کار سخت را که حتی برخی بزرگسالان به دشواری انجام می‌دهند انتخاب کند. هیچ کس این دختر بچه را مجبور نکرد که به چنین چیزهایی فکر کند، او خودش چنین نتیجه‌گیری می‌کند. به عبارتی این یک عمل کاملاً ارادی است. بنابراین کودک در هیچ لحظه خاصی شروع به تفکر نظری نمی‌کند، بلکه او همواره روند اندیشیدن و استدلال را انجام می‌دهد.

[Гружапов, 2009, 145]

با این وجود، داویدوف متوجه شد که لحظات درگیری ذهنی دانش‌آموزان در کلاس، منوط به شرایط خاصی است و پیشنهاد کرد که این شرایط به روشی خاص و به‌طور منظم طبقه‌بندی شوند. نیاز به تعیین خصوصیات فردی دانش‌آموزان برای ایجاد مسیرهای یادگیری فردی

توسعه، به‌عنوان پیش شرط در نظر گرفتن واقعیت است. گروژاپوف در مقاله خود می‌نویسد: «معلمی که قادر به انجام چنین تحقیقات کوچک کانونی در طول فعالیت‌های آموزشی است، با تسلط بر روش علمی ساخت آن، صلاحیت یک معلم-محقق، یا به عبارت دیگر، یک استاد بازتاب دهنده علم را کسب می‌کند» [Гружапов, 2008, 44].

راجرز و پیروانش، معتقدند شناخت شخصیت به دانشجویان کمک می‌کند تا برای به دست آوردن معنای شخصی در تغییر خود مشترک، در شکل‌گیری نگرش تحول پذیر آنها نسبت به مطالب آموزشی موثر واقع شود. آنچه که بین راجرز و داویدوف به نظر مشترک می‌آید پاسخهای مشابهی است که برای حل مسئله ارائه می‌دهند. به ارزیابی موقعیت در آموزش مدرن، امکانات بهره‌مندی از محتوای آموزشی به‌عنوان آموزش توسعه دهنده و ابزارهای تربیتی آموزه‌های خلاقانه ضامن تحصیل دستاوردهای عالی آموزشی و پتانسیل آموزش متقابل و پروژه‌های آموزشی و همچنین تمرین روش مستقیم و غیرمستقیم آموزش است. راجرز و فریبرگ متأثر از هایدگر ویژگیهای تدریس به‌عنوان کارکرد و رسالت معلم را چنین توصیف می‌نمایند:

«آموختن به مراتب دشوارتر از فراگرفتن است... و چرا آموختن سخت‌تر از فراگرفتن است؟ نه به این دلیل که آنکه می‌آموزد می‌بایست مخزن اطلاعات بسیاری باشد و همواره آماده

پاسخگویی باشد. «آموختن» پیش از هر چیز به معنای «اجازه فراگیری دادن» است. در واقع معلم حقیقی تنها یک چیز را می‌آموزد- یادگیری را. به همین سبب رفتار وی این‌باور را متبادر می‌سازد که هیچ چیزی را آموزش نداده است اگر مقوله اطلاعات مفید قابل اندازه‌گیری مطرح باشد. مدرس می‌بایست همواره پیش‌تاز فراگیری نسبت به دانشجویانش باشد: او می‌بایست به آنها بیاموزد تا آموختن را یاد بگیرند. معلم باید دانشجویتر از دانشجویانش باشد».

[Роджерс, 2002, 82]

در مقایسه‌ای که داویدوف از سیستم آموزشی کلاسیک با آنچه او به‌عنوان متد آموزشی توسعه دهنده بیان می‌کند به صورت زیر آورده شده است:

الف) «کلاسهای منفعل» که در آن دانشجو و دانش‌آموز به-طور کلی به‌عنوان «توریست» شناخته می‌شود. به این معنا که با حضور در محیط آموزشی بدون واکنش چالشی نسبت به مطالب آموزش داده شده در معرض آموزش قرار می‌گیرد.

ب) «کلاسهای فعال» که در آنها «دانشجویان با انگیزه» نقش فعال و پویا را در اداره کلاس بر عهده دارند و خود را «سهامداران آموزش» تلقی می‌کنند.

جدول شماره ۳

منفعل	
مانند «توریست» هستند.	مانند «سهامداران» هستند.
تکالیف ساده را انجام می‌دهند.	پروژه‌ها را در گروه‌های کوچک به‌طور مشترک انجام می‌دهند.
به صورت انفرادی کار انجام می‌دهند.	حتما به صورتی مشترک حداقل در گروه‌های دو نفره فعالیت می‌کنند.
بر روی موضوع پیشنهادی مدرس است کار می‌کنند.	ایده‌ها و موضوعات تازه را حین اجرای پروژه طرح می‌کنند.
به ندرت می‌نویسند.	هر روز می‌نویسند.
به ندرت حاصل تلاش خود را شفاف با دیگران به اشتراک می‌گذارند.	حاصل تلاش خود را به انتخاب خود و گزیده به اشتراک می‌گذارند.
به ندرت در پی اثبات پاسخ‌های خود هستند.	اغلب در پی استدلال و بیان شفاهی راه‌های دریافت پاسخ هستند.
به ندرت در فعالیتهای کلاسی شرکت می‌کنند.	تمایل به همکاری با استاد و همکلاسی‌های خود دارند.
کلاس در نظرشان «شما»	کلاس در نظرشان «ما» است.

دانشجویان کلاسهای فعال

دانشجویان کلاسهای

است.

جدول فوق در بسیاری جهات اشتراکات نظری داویدوف و راجرز را نمایش می‌دهد ویژگیهای مثبت و منفی روشهای تدریس خود را به خوبی نمایان می‌سازند. این یک دغدغه جهانی در مورد بحران آموزش است. یکی از اساسی‌ترین نشانه‌های این بحران در مقیاس بزرگ این است که علوم تربیتی سنتی «نمی‌شناسد» در روند آموزشی دانش به مثابه عملیات فرآوری بر روی موضوعات و خود شخص است که بسیار تأثیرگذار خواهد بود. زیرا سیستم آموزشی نه تنها مجموعه موضوعات علمی و روشهای تدریس آنها، بلکه مکان تلاقی بهینه شخص و جامعه به‌عنوان شخصیت

است. [Слободчиков, 1995, 183].

ویکتور الکساندروویچ گروژاپوف با تأمل در چگونگی ساختار آموزش، چندین فرضیه را بیان کرده است و آنها را آموزشی خواند. اولین فرض اساسی آموزشی مبتنی بر این است که، آنچه زمانی توسط افرادی به واسطه انگیزه-های خلاقانه ابداع شده‌اند متناسب با واقعیت محیط پیرامون است. دوم اینکه می‌توان شرایط مصنوعی به وجود آورد که در آن به درک آنچه در محیط اطراف به وجود آمده است پی برد.

کارل راجرز بر روش متداول معلم محور نقدی داشت، علی‌رغم اینکه در این روش مثالهای متعددی ذکر می‌شوند و سپس دانشجویان بر اساس آنچه پیش روی خود

دارند شروع به نتیجه‌گیری می‌کنند و یک قاعده کلی در ذهن خود می‌سازند اما چارلز به این موارد اشاره می‌کرد:

۱- مدرس دارای دانش محدودی است و لذا ترجیح می‌دهد از ساده‌ترین روشها استفاده نماید.

۲- مدرس قدرت و توان بیشتری در اداره کلاس خواهد داشت.

۳- مدرس امروزی از معلمان خود این نحوه آموزش را فراگرفته‌اند.

۴- روش مناسبی در کلاسهای درس شلوغ است.

۵- روند توسعه سیستم آموزشی در برخی کشورها کند است.

۶- منابع آموزش زبان در برخی از نقاط جهان محدود است.

آنچه در کلاسهای تدریس زبان در حال حاضر اجرا می‌شود ترکیبی از رویکرد داویدوف و کارل راجرز است، تغییر در روشهای آموزش زبان در طول تاریخ بازتاب تغییر در نوع مهارت مورد نیاز زبان‌آموزان است، مانند گرایش به سمت مهارت شفاهی به‌جای خواندن درک مطلب به‌عنوان هدف مطالعه زبان. [Richards, Rodgers, 2010, 5]

۴-۱ بررسی نظریه در کلاسهای زبان روسی در

ایران

آموزش زبان دوم به دانشجویان تازه وارد در دانشگاه در مقطع کارشناسی در زبانهای غیر انگلیسی در ایران متفاوت از سایر کشورها نیست، مواجهه با نگارش، آواها،

مخالقم	۱۳	٪۸,۷
--------	----	------

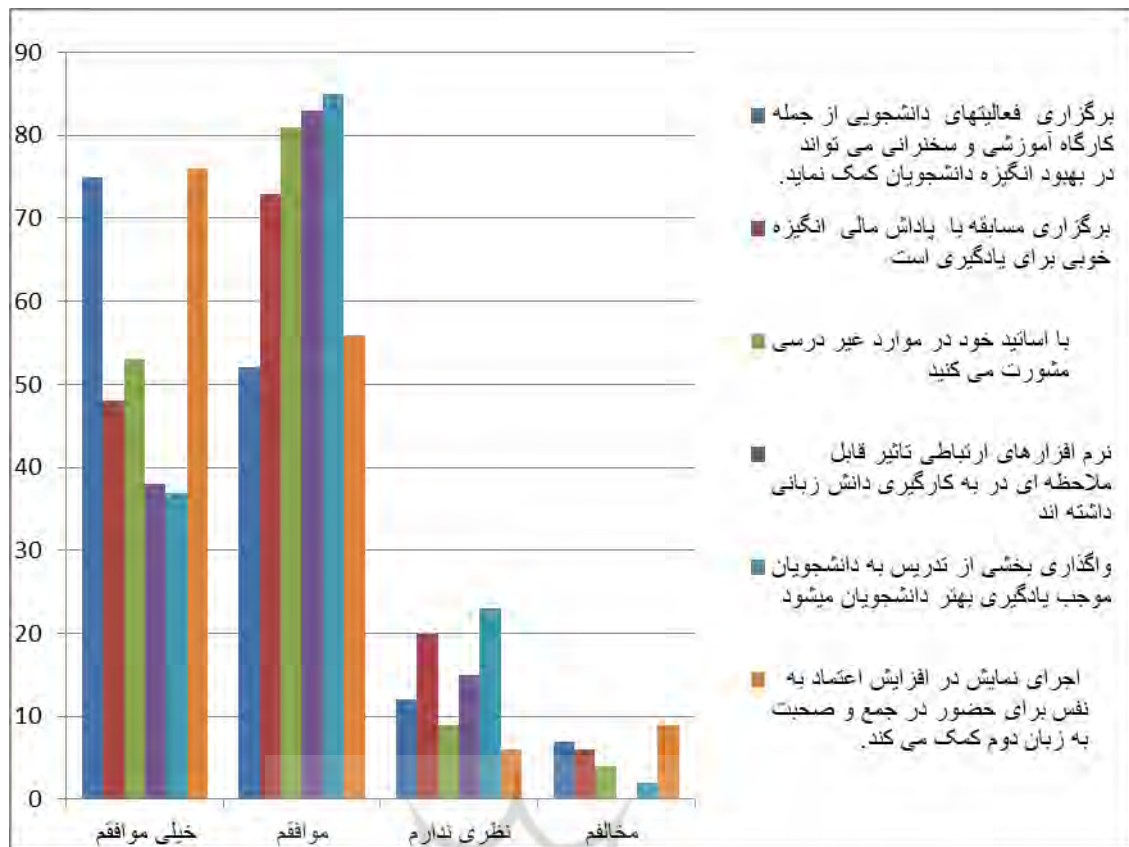
اسامی، ساختار دستوری متفاوت و بالاخره فرهنگ آن کشور حجم بزرگی از دانش مورد نیاز برای آشنایی با زبان دوم را تشکیل می‌دهد. بیراه نیست که گفته می‌شود هر زبان یعنی دنیایی جدید. بدین منظور همان‌طور که بیشتر اشاره شد، آزمون‌ها در بررسی راه‌های رفته تدوین گشت و با دانشجویان به اشتراک گذاشته شد. از آنجایی که این آزمون در شرایط پاندمی گسترده انجام پذیرفته و دانشجویان امکان مقایسه دو نوع تدریس حضوری و غیرحضوری را داشتند. پاسخ‌ها در به شرح زیر بود و علی‌رغم تصور اینکه شاید عدم تردد موجب محبوبیت بیشتر آموزش غیرحضوری بشود اما چنین نبود: جدول شماره ۴

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد
خیلی موافقم	۷۶	٪۵۲,۲
موافقم	۳۶	٪۲۳,۹
نظری ندارم	۲۲	٪۱۵,۲

با در نظر گرفتن لزوم تعامل دانشجویان و استاد و هم‌کلاسی‌ها نمودار شماره ۵ اطلاعاتی درباره استقبال و یا عدم استقبال دانشجویان به دست می‌دهد که می‌تواند به روش استقرایی مورد ارزیابی قرارگیرد.

نیاز به دیده شدن و حضور در جمع و پذیرش در میان همسالان از عوامل بسیار موثر در روند آموختن است. گرچه نیاز به دیده شدن، ویژگی اگزستانسیال و بنیادین درون آدمی است. اما گویا همه افراد به یک اندازه و میزان، چنین نیازی را در خود احساس نمی‌کنند. نیاز به دیده شدن، دست‌کم به دو عامل وابسته است. یک ساختار روانی افراد به لحاظ برون‌گرایی و درون‌گرایی و دوم، وابسته به اینکه شخص در کجای نردبان فردیت خویش ایستاده است و چه درجه‌ای از فرهیختگی را کسب کرده است. به میزان فربهی درون، نیاز به دیده شدن کاسته می‌شود. [یالوم، ۱۳۹۷، ۲۱۵]

نمودار شماره ۵



برخوردار باشند. [Bilgiç & Tuzun, 2020, 146] در

نظر سنجی انجام شده نتایج حاکی از عدم رضایت دانشجویان از برگزاری کلاسها به صورت مجازی بود که بررسی علل آن در جستار نمی گنجد و نیاز به تحقیقات میدانی دیگری است. این آزمون توسط بایریچیک نیز جهت بررسی نظر دانشجویان نسبت به آموزش از راه دور انجام شد. در این نظر سنجی دانشجویان با بیان اینکه مزیت آموزش غیرحضوری امکان صرفه جویی و تنظیم زمان را برای دانشجویان فراهم می آورد، اما در کیفیت یکسان نیست. [Bağrıçık, 2019, 203] آنچه حایز اهمیت است در این نظر سنجی ها، ارتباط معنادار موفقیت و رضایت آموزشی از حضور در کلاس درس، دیده شدن، تعامل با محیط و افراد است.

در تاریخ نگارش پژوهش حاضر همان طور که ذکر شد مصادف با پاندمی covid-19 و اجبار دانشگاه ها به برگزاری کلاسها به صورت غیرحضوری با استفاده از انواع پلتفرمهای آموزش مجازی شدند. لازم است دوره هایی که از طریق آموزش از راه دور به طور سیستماتیک و مطابق با فرایندهای طراحی آموزشی ارائه می شود، آماده کرده و یک محیط یادگیری مؤثر و با کیفیت ایجاد کرد. [Aparicio & Oliveira 2016, 62] بنابراین، طراحی فرایند تدریس یکی از موضوعات اساسی آموزش از راه دور است زیرا آموزش از راه دور تحت وب با آموزش حضوری سنتی متفاوت است. بنابراین، در برنامه درسی آموزش از راه دور مبتنی بر وب، ارزشها، نیازها و تجربیات دانشجویان باید از کیفیت یکسان یا بالاتر از برنامه درسی کلاسی سنتی

کاهش انگیزش تحصیلی از مشکلاتی است که رو به افزایش بوده و نتایج پژوهشها نشان می‌دهد که انگیزش تحصیلی در طول دوره نوجوانی کاهش می‌یابد [Kee& others.2009,61] در تبیین علت کاهش انگیزش تحصیلی فرض بر این است که دانش‌آموزان در دوره متوسطه دوم به بعد از ایجاد رابطه عاطفی و صرف زمان با معلم خود با محدودیت مواجه هستند و در نتیجه می‌تواند بر میزان انگیزش و تأثیرپذیری دانش‌آموزان و سپس دانشجویان اثر منفی بگذارد. روز نخست ورود به دانشگاه برای دانشجوی مقطع کارشناسی روز تعیین کننده‌ای است همان‌طور که نخستین‌ها همواره نقش پر رنگ‌تری در ذهن حک می‌کنند. انتظار ورود دانشجویان و خوش و بش‌های متداول دوستانه فارغ از جایگاه رسمی یک استاد و دانشجو باعث می‌شود که به دانشجویان نقش «ما» القا شود، همان نکته‌ای که داویدوف در آموزه‌های خود بر آن بسیار تأکید داشت. بنابراین، معلم و متغیرهای محیط آموزش، می‌تواند در دانشجو ایجاد انگیزه و یا بی‌انگیزگی نماید. از این رو درس‌های تدریس شاهد مراجعه دانشجویانم بودم که در بسیاری از موارد غیردرسی به مشورت پرداخته‌اند.

این موضوع با مؤلفه جنس دانشجویان رابطه معناداری دارد. تأثیر عوامل محیط آموزشی بر باورهای انگیزشی دختران در پژوهشهای زیمرمن (Zimmerman) رایان (Ryan) و دسی (Deci) و ویگفیلد (Wigfield) منعکس شده است. البته پژوهشهای وینی رید (Winnie-Reid) و میلیتادو (Miltiadou) تفاوتی را قایل نبودند. دلیلی که شاید

بتوان برای عدم حساسیت محیطی برای انگیزش پسران در مقایسه با دختران برشمرد، این است که پسران اهمیت زیادی به رفتارهای معلم، روش تدریس و شیوه ارزشیابی و تعامل و برقراری رابطه دوستانه و صمیمانه با معلم نمی‌دهند. [طاهری و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۶۹]

۲-۴- رویکرد موقعیتی

دانشجویان زبان‌آموز با ورود به دانشگاه اگر در سنین پس از نوجوانی باشند با جدی‌ترین حضور اجتماعی و مسئولیتهای مستقل اجتماعی پس از ۱۸ سالگی روبرو می‌شوند. چالش‌های پیش رو کم نیستند از تنظیم ارتباطات اجتماعی، گزینش واحدهای درسی گیج کننده، تعامل با اساتیدی که به آنها به دیده یک «شخصیت حقیقی» می‌نگرند، دوری از محیط خانواده و یا حتی مهاجرت به کشور دیگر برای فراگیری دانش، مؤلفه‌های تربیت خانوادگی، و ویژگی‌های شخصی هر دانشجو باعث می‌شود بر روند آموزشی زبان‌آموزان تأثیر بگذارد. از این رو به نظر نگارنده و برآمده از نظریات داویدوف و راجز و با توجه به مدیریت کلاسهای زبان **situational approach** در این شرایط کاربردی خواهد بود و به خودکارآمدی دانشجویان کمک می‌کند.

واگذاری بخشهایی از تدریس به دانشجویان به بیان خود آنها باعث می‌شود تا: الف) تمام نکات درسی را به- علاوه نکات ظریف را هم بیاموزند که امکان داشته در درس خواندن روتین بدانها توجهی نداشته باشند، ب) با احتمال

طرح سوال توسط دانشجویان، مطالب درسی را از جنبه‌های مختلف و عمیق‌تر فراگیرند، ج) مهارت‌های ارتباطی - مدیریتی را در آنها تقویت می‌نماید، تا در مواجهه با جمعیت‌های بزرگتر آماده باشند، د) بیان دیدگاه‌های متفاوت با حضور استاد در یک جمع دانشجویی نحوه رویارویی با آرا و نظرات متفاوت را آموزش می‌دهد و امکان رشد شخصیتی و توانایی‌های فردی را چه در دانشجویان مخاطب و چه در دانشجوی مسئول ارائه آموزش فراهم می‌آورد.

مقوله دیگری که تأثیر بسزایی داشته و هم‌افزایی دانشجویان را به دنبال داشته، برگزاری مسابقات در موضوعات مختلف است، چنین برنامه‌هایی قابلیت به چالش کشیدن مهارت‌ها و استعداد‌های دانشجویان را در پی دارد و از جنبه‌هایی مانند: ایجاد حس رقابت و بروز تمام تلاش فرد برای موفقیت و نیز در صورت موفقیت دریافت مشوق‌های مالی و دیده شدن طبق تعریف راجرز، احساس رضامندی را به دنبال دارد.

برگزاری چندین دوره جشنواره ملی تئاتر دانشجویی به زبان روسی مؤید این نکته است، که بسیاری از دانشجویان با هر توانش زبانی، برای مشارکت در این برنامه داوطلب می‌شوند. شور و اشتیاق آنها بسیار شگفت‌انگیز است. فعالیت‌هایی که در روند اجرای تئاتر انجام می‌پذیرد از جمله: حفظ کردن متن‌های طولانی از آثار فاخر ادبیات و دیالوگ‌های نمایشنامه، طراحی دکور، آماده‌سازیهای پیش از اجرا، همگی همسو با تئوریهای «آموزش توسعه دهنده»

مهارت‌ها و پتانسیل‌های فردی دانشجوی طبق نظر داویدوف و حمایت‌گری و پرورش شخصیت دانشجویان طبق نظریه «دانشجو/ انسان محور» کارل راجرز می‌باشند. در روند اجرای یک تئاتر دانشجویی به زبان خارجی، قابلیت‌های متفاوت افراد بروز می‌نماید و این خود می‌تواند زمینه هم-گرایی و انگیزه بیشتر برای «ما» شدن در یک گروه آموزشی را فراهم آورد.

در تنظیم درسنامه‌ها رویکرد موقعیتی اهمیت خود را بیش از پیش نمایان می‌سازد، فراگیری مباحث روز به‌ویژه در برنامه‌ریزی درسنامه‌های دروس ترجمه، گفت و شنود، بیان شفاهی و دروس اصطلاحات و ترکیبات به‌طور ویژه می‌بایست برآمده از این رویکرد باشد. به همین دلیل توصیه می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آتی رشته‌های آموزش زبان، این تفکیک تخصصی گرایش‌های زبان مورد توجه قرار گیرد، زیرا در حال حاضر در آموزش زبان‌های غیر انگلیسی در دانشگاه‌های تهران و سراسر کشور دو گرایش آموزش زبان و ترجمه از بیشترین فراوانی برخوردار است، حال آنکه می‌طلبد با توجه به تخصصی شدن هرچه بیشتر رشته‌ها و نیاز به متخصصین در رشته‌های مختلف مانند روزنامه-نگاری، ترجمه هم‌زمان، زبان‌های باستانی، رشته‌های مدیریت بازرگانی و بازاریابی، متخصصین حرفه‌ای با دانش زبانی مخصوص تربیت شوند.

۵- نتیجه گیری

متدهای آموزشی داویدوف مبتنی بر آموزش «توسعه دهنده» و کارل راجرز مبتنی بر روش «دانشجو-محور» ترکیبی نوظهور و کارآمد در تدریس به‌طور کلی و به‌طور ویژه در تدریس زبان در مقطع کارشناسی شناخته می‌شوند. بررسی متدهای آموزشی متداول در آموزش زبان و روشهایی که بر اساس موقعیت کنونی جامعه، با توجه به شیوع پاندمی کوید ۱۹، استقبال دانشجویان از برخی و پیشنهاد به بازنگری برخی دیگر را نشان می‌داد. در این زمینه انتخاب دو روش حضوری و مجازی به‌طور کلی برای آموزش در کلاسهای درس زبان روسی در مقطع کارشناسی مورد سنجش قرار گرفت که، نتایج حاکی از استقبال معنادار آموزش حضوری توسط دانشجویان به دلایل متعدد از جمله: (۱) برخورداری از کیفیت یکسان تدریس توسط استاد؛ (۲) برخورد رو در رو و امکان پرسش و پاسخ دانشجویان با استاد؛ (۳) امکان بروز احساسات و هیجانات در میان همکلاسی‌ها؛ و عدم برخورداری همسان از زیرساختهای لازم برای ارتباطات مجازی، عدم پوشش کافی اینترنت و دسترسی برخی از نواحی از جمله موارد برشمرده به‌عنوان علل عدم مطلوبیت این روش در بین دانشجویان اشاره شده بود. موارد فوق هم‌راستا با نگرش کارل راجرز در شیوه آموزشی مبتنی بر «دانشجو/انسان محور» به حضور بالنده و اعتبار بخشی به دانشجویان و ارتباطاتشان در روند آموزشی تأکید دارد. در روشهای آموزشی مورد بررسی و بازتاب میزان اثر بخشی آنها به این نتیجه رسیدیم که آنچه می‌تواند به «ما» شدن کمک کند در

میان دانشجویان از استقبال بیشتری برخوردار است و بار مسئولیت اجتماعی را در بین یک جمع آموزشی توزیع می‌کند.

روشهای آموزشی با قابلیت افزایش مهارتهای فردی و جمعی دانشجویان منطبق بر نظریه «آموزش توسعه دهنده» داویدوف از استقبال بسیار خوبی در بین دانشجویان برخوردار بوده است. مشارکت دانشجویان در امر آموزش با نظارت استاد نه تنها از کیفیت نمی‌کاهد، بلکه بسیار تشویق کننده است و باعث فراگیری رفتارهای تعاملی در بین دانشجویان می‌شود. از دیگر روش‌های آموزشی «توسعه دهنده» که منجر به هم‌افزایی ارتباطی و مهارتی دانشجویان گردیده است، می‌توان به برگزاری چندین دوره جشنواره ملی تئاتر دانشجویی زبان روسی در دانشگاه الزهرا (س) و حضور پر رنگ دانشجویان از سراسر کشور اشاره نمود؛ برگزاری مسابقات و کارگاه‌های مختلف نیز از استقبال خوبی در بین دانشجویان برخوردار بوده است که مؤید نظریه توسعه دهندگی و آموزش غیرسنجی و چندمنظوره برای دانشجویان مقطع کارشناسی است. امید است، این پژوهش بتواند به اساتید تازه کار در چیدمان و برنامه‌ریزی-های آموزشی در مقطع کارشناسی زبان روسی کمک کوچکی بنماید.

فهرست منابع

- 1- راجرز ت.س.، ریچاردز ج. ک. (۱۹۸۶)، ترجمه علی بهرامی، (۱۳۹۲). *رویکردها و روشها در آموزش زبان*. تهران: نشر رهنما.
- 2- رضاییگی، مرضیه؛ مفتون، پرویز؛ عباسیان، غلامرضا (۱۴۰۰). تأثیر رفتارهای حمایتی استقلال معلمان زبان بر آمادگی زبان‌آموزان برای کسب استقلال. *پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*، دوره ۱۱ شماره ۱ بهار، صص ۸۱-۹۶.
- 3- طاهری، ژاله؛ دلاور، علی؛ قدم پور، عزت‌الله؛ فرخی، نور علی (۱۳۸۹). عوامل موثر در الگوی مناسب باورهای انگیزشی دانش‌آموزان دبیرستانی در شهر تهران، *اصول بهداشت روانی*، زمستان، سال ۱۲ (۴)، ۶۶۲-۶۷۳.
- 4- یالوم، اروین (۱۹۳۱). *روان‌درمانی اگزیستانسیال*، ترجمه سپیده حبیب (۱۳۹۷)، تهران: نشر نی.
- 5- آکسینووا، Э.А. (2016). Концепция человекоцентрированный нового подхода к обучению в гуманистической педагогике Карла Роджерс. *Школьные технологии*, №5, сс22-28.
- 6- Гуружапов В.А. (2007). Идеи В.В. Давыдова о единстве практики и теории обучения детей. *Вестник практической психологии образования*. Том 4. № 3. С. 19—21.
- 7- Гуружапов В.А. (2008) *Учебная деятельность в развивающем обучении* (система Д.Б.Эльконина— В.В. Давыдова). Часть I: Методическое пособие к дисциплине «Психологическая теория учебной деятельности». М.: АНО «ПЭБ»,. 80 с.
- 8- Гуружапов В. А. (1999). *Экспертиза учебного процесса развивающего обучения в системе Д. Б. Эльконина — В. В. Давыдова*. Учебно-методическое пособие. — М.: АНО Центр «Развивающее образование».
- 9- Гуружапов В.А. (2014). О новой общей психологии образования, *Вопросы образования*. № 1. С. 271—280.
- 10- Кудрявцев В. Т., (2010) *Свобода учиться*: К. Роджерс идет навстречу В. В. Давыдову, *Психологическая наука и образование*, № 4, сс.51-60.
- 11- Марголис А.А. (2019). *Модернизация педагогического образования в Российской Федерации*. – Учебное пособие. М: МГППУ, 382 С;
- 12- Роджерс К., Фрейберг Дж. Переводчик: А. Б. Орлов, С. Степанов, Е. Патяева (2002). *Свобода учиться*. М., Смысл.
- 13- Рубцов В. В. (2008). Социально-генетическая психология развивающего образования: *деятельностный подход*. — М.: МГППУ.

Schizophr Res. state effects. Psychiatr Res; 166: 63-8.

20- Richards J.C., Rodgers T. S.(2010). Approaches and Methods in Language Teaching, Cambridge University Press.

21- Rubtsov V.V. (2014) Activity approach to learning and the problem of creating digital learning aids, Tätigkeitstheorie: E-Journal for Activity Theoretical Research in Germany.. Vol. 12 (1). P. 11—24. <https://psyjournals.ru/en/tatigkeitstheorie/2014/n1/75112.shtml> (Дата обращения 07.07.2021).

14- Слободчиков В. И., Исаев Е. И.(1995). *Психология человека: Введение в психологию субъективности*: Учебное пособие для вузов. — М.: «Школа-Пресс», 384 с.

15- Aparicio, M., Vacao , F., & Oliveira, T. (2016). Cultural impacts on e-learning systems' success. *Internet and Higher Education*, 31, 58 -70. <https://doi.org/10.17718/tojde.690385>

16- Bağrıaçık, A.Y. (2019). Distance and face to face students' perceptions towards distance education: a comparative metaphorical study. *Turkish Online Journal of Distance Education*, 20 (1), 191-207. <https://doi.org/10.17718/tojde.522705>

17- Bilgiç, H. G., & Tuzun, H. (2020). Issues and challenges with web based distance education programs in Turkish higher education institutes. *Turkish Online Journal of Distance Education* 21 (1), 143- 164. <https://doi.org/10.17718/tojde.690385>

18- Chirkov, V. I. & Ryan, R. M. (2001). Parent and teacher autonomy-support in Russian and U.S. adolescents: Common effects on well-being and academic motivation, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32 , 618–35.

19- Kee KS., Horan WP., Salovey P., Kern RS., Sergi MJ., Fiske AP, et al (2009). Emotional intelligence in schizophrenia.